

تربیت درست کودکان، همان رفتار درست با نوع بشر است.

«مصاحبه با مترجم کتاب»

معرفی کتاب و مصاحبه: دکتر ابوالفضل بختیاری

دلگرمی بخشیدن و یاری رساندن به دیگران خواهد بود. چنین انسانی دیگر انگیزه‌ای برای بدرفتاری ندارد. تربیت سالم یعنی آموزش، پرورش، آماده سازی، نظم دهی، مهارت‌آموزی و تأکید بر پیدا کردن راه‌حل. تربیت سالم سازندگی دارد، دلگرم کننده، تأییدکننده، یاری رسان و مهرورزانه است. تربیت سالم، رویکردی خوش بینانه به مقوله کودک‌پروری است. در تربیت سالم، تأکید بر تعادل میان قاطعیت و مهربانی است و هم چنین بر رعایت احترام والدین و کودکان. از آن جایی که روش تربیت سالم نه آسان گیرانه است و نه تنبیهی، عشق، امید و افزایش مهارت را با خود به کلاس می‌آورد.

آیا توصیه‌های این کتاب، بار اضافه‌ای را بر دوش معلمان نمی‌گذارد؟ آنها موظفند طبق بودجه بندی‌های مصوب، حجم زیادی از مطالب را تدریس کنند.

همه ما معلمان، زمان زیادی از کلاس‌های خود را صرف رسیدگی به بی‌نظمی‌ها، بدرفتاری‌ها و چالش‌هایی می‌کنیم که اغلب ناشی از ضعف دانش‌آموزان در به کارگیری مهارت‌های زندگی و عدم آگاهی به مهارت‌های ارتباطی است. حل و فصل این مشکلات توسط معلم، هم زمان زیادی از کلاس را می‌گیرد و هم به خستگی روحی و کج خلقی معلم و دانش‌آموزان منجر می‌شود. برخی معلم‌ها با اخراج بچه‌های مشکل ساز از کلاس و ارجاع دادن آنها به مدیر، ناظم یا معلم راهنما این مسئله را از سر خود باز می‌کنند؛ حال این که یک معلم متعهد و دلسوز، هرگز به این کار راضی نخواهد شد. روش‌های تربیت سالم، راه سومی است که پیش روی معلم قرار می‌گیرد. اگر بدانیم با صرف زمانی اندک (نیم ساعت از یک روز)، و آموزش مهارت‌های ضروری ارتباطی و زندگی به بچه‌ها می‌توانیم مانع بروز بسیاری از بدرفتاری‌ها شده و روش حل اغلب مشکلات را به بچه‌ها بیاموزیم، آن گاه ارزش این سرمایه گذاری اندک که به سوددهی فراوان می‌انجامد را درک می‌کنیم؛ بالاخص اگر متوجه شویم که این کار یک منفعت جانبی چشمگیر همچون تقویت بنیه تحصیلی بچه‌ها را نیز به همراه دارد.

در پاسخ‌ها به برگزاری نشست‌های کلاسی اشاره کردید؛ ممکن است راجع به این نشست‌ها کمی توضیح دهید؟

اگر رویکرد تربیت سالم را به دو بخش قالب و محتوا تجزیه کنیم، نشست‌های کلاسی بخش عمده قالب این رویکرد را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر نشست‌های کلاسی، فرصتی است برای این که بچه‌ها بدون ترس از قضاوت دیگران، خود را بشناسند، و با آگاه شدن از تأثیر رفتار خود بر دیگران، به تغییر یا تقویت رفتارشان بپردازند.

بزرگ ترها دارد. هر از گاهی نیز به تجربه‌ای ناب، باور خود را می‌آموزم و در آن پا برجا تر می‌شدم؛ ولی دستم خالی بود. به دنبال یک پشتیبان علمی می‌گشتم تا مبدا به خطا روم یا بی‌گدار به آب بزنم، تا این که خیلی اتفاقی و در ملاقاتی که با یکی از همکاران داشتم به کتاب Positive Discipline in the classroom برخورد. دیدن و خواندن این کتاب برای من، مانند یافتن چشمه‌ای آب بود برای تشنه، گویی نویسنده تمام سؤال‌ها و دغدغه‌های مرا شنیده بود و برای جواب دادن به آنها کتابی نوشته بود. ترجمه این کتاب نیز برای من به مثابه فریاد یافتن! آن دانشمند معروف بود.

گاهی اوقات با کمی مسامحه و اغماض این جمله را به برخی دوستانم می‌گویم که "خواندن دو کتاب من را معلم کرد، یکی کتاب "روابط معلم و دانش‌آموز" نوشته‌هایم گینات، و دیگر کتاب the Positive Discipline in the Classroom نوشته جین نلسن". کتاب اول به خوبی ترجمه شده بود، ولی دومی را خودم ترجمه کردم تا دیگران را نیز در این تجربه شریک کنم.

این کتاب چه توصیه عملی برای معلمان و مدیران مدارس دارد؟

این کتاب پر است از راهکارها و توصیه‌های عملی برای معلمان و مدیران آموزشی (مانند برگزاری نشست‌های کلاسی)، ولی مفهوم کلیدی که نویسندگان کتاب بر دانستن آن از سوی پرورشکاران تأکید دارند و فعالیت‌های پیشنهادی خود را بر اساس آن طراحی کرده‌اند، این است که اصول اولیه و مقدمات آموزش و پرورش، خواندن و نوشتن و حساب نیستند؛ بلکه این اصول اولیه عبارت‌اند از: شجاعت، اعتماد به نفس و مهارت‌های زندگی. کسب این مقدمات، نه تنها بچه‌ها را برای یک زندگی موفقیت آمیز در دنیا آماده می‌کند، بلکه زمینه مساعدی نیز برای یادگیری مطالب درسی (خواندن، نوشتن و حساب کردن) ایجاد می‌نمایند.

اگر ممکن است، رویکرد تربیت سالم را شرح دهید.

درجایی از کتاب جمله‌ای از رادولف درایکزر نقل شده است که می‌گوید: «تربیت درست کودکان، همان رفتار درست با نوع بشر است.» رویکرد تربیت سالم، در حقیقت به دنبال یافتن راهی درست برای رفتار درست با انسان‌هاست، و به بچه‌ها نیز به چشم انسان‌هایی با اهمیت نگاه می‌کند؛ انسانی که نیاز دارد به حساب بیاید و احساس مهم بودن و تعلق داشتن بنماید تا دلگرم شود. انسانی که این چنین دلگرم است، هم خودش صاحب توفیقات فراوانی در زندگی خواهد شد و هم منبعی برای

ممکن است خودتان و کتاب را برای ما

معرفی بفرمایید؟

به نام خداوند حکیم؛ من محمد جواد فرشیچی، متولد فروردین ۵۸ تهران هستم. از ۱۹ سالگی برای بار دوم در زندگی وارد دبستان شدم، ولی این بار در کسوت مربی و پرورش کار. سه سال است که ازدواج کردم و در حال حاضر مسئول یک مرکز آموزش‌های پیش دبستانی در شمال شرق تهران هستم.

کتاب "تربیت سالم" (the Positive Discipline in the Classroom) نوشته دکتر جین نلسن و چند نفر از همکاران ایشان می‌باشد. این کتاب از سری کتاب‌هایی است که خانم نلسن با محوریت یک رویکرد تربیتی خاص، تحت عنوان Positive Discipline (تربیت سالم) به رشته تحریر درآورده است. مخاطب این کتاب بیشتر معلمین و مدیران مدارس هستند، ولی از همین نویسندگان و با همین مضمون، کتاب‌هایی برای والدین نوجوانان، والدین کودکان پیش دبستانی، خانواده‌های مرکب، خانواده‌های تک سرپرست و... منتشر شده است.

لطفاً بفرمایید انگیزه شما از ترجمه این

کتاب چه بود؟

از همان ماه‌های آغازین شروع کارم در مدرسه، فهمیدم که در جای درستی ایستاده‌ام و هر روز که از شروع کارم می‌گذشت بیشتر به مدرسه علاقمند می‌شدم. دلم پر از عشق کار با بچه‌ها بود، ولی سرم پر از سؤال‌هایی مثل:

وقتی بچه‌ها شلوغ می‌کنند و کلاس را به هم می‌ریزند چه کنم؟ وقتی دو نفر با هم گلاویز می‌شوند چه بگویم؟ کودکی که به من می‌گوید دوستت دارم با آن که می‌گوید از تو بدم می‌آید، چه فرقی دارند؟ چه کنم تا آن کودک درس‌نخوان، کمی درس بخواند؟...

به دنبال جواب به هر جا سر می‌کشیدم؛ همکاران کم تجربه، معلمان پر تجربه، پیشکسوتان بازنشسته، کتاب‌های تربیتی ایرانی و خارجی هر یک از ظن خود جوابی می‌دادند و من هم تجربه‌های آنها را می‌آموزدم، ولی هر روز سؤال‌های من بیشتر و بزرگ تر می‌شد.

جواب‌هایی که به دست می‌آوردم، اغلب شامل راه کارهایی برای برخورد با بدرفتاری‌های نوعی بچه‌ها بود، ولی سؤال بزرگ من این بود: چه کنیم بچه‌ها بدرفتاری نکردن را بیاموزند؟

در عمق وجودم باور داشتم که می‌توان کاری کرد بچه‌ها به جای بدرفتاری، همکاری کنند؛ و ایمان پیدا کرده بودم که بسیاری از ناسازگاری‌های بچه‌ها ریشه در رفتار نادرست ما